

ایران فرم‌های

«یونس محمد» عکاس عراقی که خشونت داعشیان را به تصویر کشیده است در گفت‌وگو با «ایران»

عکاسی جنگ، صریح‌ترین نوع هنر است



شهر باشیک، حومه شهر موصل در عملیات آزادسازی شهر موصل سال ۲۰۱۷

ارتباطدارید؟ دوستان عزیزي دارم. آقایان کاظمي، مؤیدی و یعقوب‌زاده از دوستان نزدیک من هستند و با کارهای آنها آشنا هستم. ■ **عکس‌های عکاسان ایران در قیاس با عکس‌های عکاسان عراق را چطور ارزیابی می‌کنید؟** واقعیت این است که طی سال‌های جنگ وبعد از آن عکس‌های عکاسان ایرانی بخوبي دیده شده است، اما عکس‌هایی که عکاسان عراقی در جنگ گرفتند تا این لحظه برای من‌نوعی قابل دسترسی نبوده ویا اینکه در این مورد بسیار پرسیده‌ام و پیگیری هم کرده‌ام اما

آنچه می‌خواهید بعدها به نمایش بگذارید که نه تنها گویا و راوی باشد بلکه صادق و واقعی هم باشد. به همین علت به نظر من عکاسی مستند با گرایش جنگ، صریح‌ترین و واقعی‌ترین نوع هنر است و شاید به هیچ وجه قابل مقایسه با هنرهای دیگر نباشد. این به معنای بی‌ارزش دانستن هنرهای دیگر نیست اما از منظر خلق اثر، عکاسی جنگ حتی در خود عکاسی هم در قیاس با تمام ژانرها، چند سر و گردن بالاتر است.

■ **آیا کتاب عکسی در رابطه با جنگ داعش دارید؟**

من هنوز هیچ کتابی را به چاپ نرسانده‌ام. دو پروژه آماده برای چاپ دارم اما هنوز این نیاز را نمی‌بینم. یعنی فکر می‌کنم هنوز موقع آن فرا نرسیده است؛ چون بسیاری از این تصاویر قابل دیدن نیستند یا وقت آن نشده که بیایند و وارد جامعه شوند.

■ **آیا در زمان جنگ تحمیلی هم عکاسی می‌کردید؟**

خیر؛ من آن زمان عکاسی نمی‌کردم اما شاید ماحصل کار امروز برآمده از چیزی است که آن روزها اتفاق افتاد. در واقع زمان جنگ عراق و ایران من با آژیرهایی که از حمله‌های هوایی می‌شنیدم و با پناه بردن‌هایی که به زیرزمین‌خانه‌مان داشتم، تصویرهایی در ذهنم شکل می‌گرفت که تمام کودکی‌ام را پر کرد و وادارم کرد که از چهارده سالگی وارد دنیای جنگ شوم. می‌خواهم بگویم تصویرسازی جنگ از همان زمان در ذهن من شکل گرفته بود. اما هیچ وقت به عکس تبدیل نشد؛ تا بعدا که من دوربین به دست گرفتم و شروع به عکاسی کردم.

■ **احساس‌تان بعد از دیدن عکس‌های جنگ تحمیلی آقای سعید صادقی چه بود؟**

آقای صادقی دوست عزیز و ارجمند من هستند و همیشه به چشم پیشکسوت به ایشان نگاه می‌کنم. ایشان و هم نسل‌های ایشان از دید من به‌عنوان اولین نسل از عکاسان منطقه، اولین کسانی هستند که توانسته‌اند جنگ را به تصویر بکشند. تا قبل از آن ما اگر عکس جنگی می‌دیدیم هم‌ماش محصول کار عکاس‌های خارجی بود که وارد دنیای ما شده بود و ما جنگ را از منظر آنها می‌دیدیم. اما آقای صادقی و دوستان و هم‌زمانشان در طول جنگ تحمیلی از اولین‌ها بوده‌اند. من با دیدن عکس‌های ایشان در واقع عکس‌های خودم را دیدم؛ یک نوع تشابه؛ نوعی از درد که بسیار شبیه به هم بود و از این منظر فکر می‌کنم به نحوی من، تکرار آقای صادقی‌ام در سال‌های بعد با فریم‌هایی متفاوت اما با همان زبان و با همان مدیوم!

■ **با کدام عکاسان جنگ ایرانی آشنا هستید و**

«جنگ» تجربه زیسته بسیاری از انسان‌هاست و اگر آدم‌ها مانی را که صرف جنگ می‌کردند، به اجتناب از جنگ می‌پرداختند، بی‌شک جهان جای بهتری برای زیستن بود. هرچند سخن گفتن از جنگ و پیامدهایش کام‌مان را تلخ می‌کند اما بد نیست گاهی به این خشونت‌بارترین رفتار انسان‌ها نگاهی بیندازیم تا شاید بر ایمان تلنگر عبرتی باشد. از همین منظر گالری شهر در شیراز، جنگ را به شهر آورد؛ نمایشگاه عکسی با عنوان «در باره جنگ» از آثار «سعید صادقی» و یونس محمد» که توجه بسیاری از مخاطبان را به خود جلب کرد. «افشین آریافر» از استادان عکاسی و هنرمندان بنام شیراز، در یادداشتی بر نمایشگاه «در باره جنگ» این‌گونه می‌نویسد: «نمایشگاه عکس «در باره جنگ» در پیچه‌ای است به تداوم نزاع انسان در طول تاریخ. اما جنگ در تاریخ معاصر به مراتب دارای ابعاد گسترده‌ای است. انسان به‌عنوان اصلی‌ترین شاخصه برپایی درگیری‌ها بیشترین آسیب را برای خود رقم می‌زند. خسارتی که نوع بشر بر خود وارد کرده قابل مقایسه با خسارت‌های طبیعی و مادی آن نیست. عکس‌های نمایشگاه «در باره جنگ» در محدوده جغرافیایی نزدیک به هم روایتی از جنگ با فاصله ۴۰ ساله را به نمایش می‌گذارد. از دیدگاه من عکس‌های صادقی به مراتب حضور نیروهای انسانی درگیر با جنگ را بیشتر روایت می‌کند. این نشان از آن دارد که خسارت انسانی متوجه رزمندگان جنگ هشت ساله ایران و عراق است. در نبود تجهیزات جنگی آسیب مستقیم بر نیروهای درگیر جنگ وارد آمده است. به‌دلیل تکنولوژی عکاسی در آن دوره و استفاده از نگاتیو وجود گرین‌های امولسیون نقره از دو جنبه ویژگی دارد؛ یکی زمانی که بر این حادثه گذشته را تشدید می‌کند و دوم فضای احساسی غبارآلودی را در اتمسفر عکس‌ها شاهدهیم که خود تأثیر‌گذاری ویژه‌ای را به دنبال دارد. اما در تصاویر یونس محمد، ویژگی بسیار متفاوتی وجود دارد. جنگ به تلخی روایتگر بخشی از بسیار انسان‌هایی است که بدون اینکه خود بخواهند مورد آسیب‌های جدی جنگ واقع شده‌اند. جنگ سال‌های اخیر در محدوده کشور عراق و سوریه حجم عظیمی از انسان‌ها را درگیر کرد و نیروهای نظامی به مدد پیشرفت تجهیزات جنگی توانسته‌اند آسیب کمتری را متوجه خود کنند. تکنولوژی عکاسی دیجیتال نوعی شفافیت و رک‌گویی را برای عکس‌های یونس محمد ایجاد کرده که بسیار برای اکنون ما قابل درک است. زجر و مرارتی که انسان‌های بی‌گناه در درگیری‌ناخواسته بر خود پذیرا شده‌اند. کشته‌شدن، تجاوز، آوارگی میلیون‌ها نفر و... نسل آینده چه قضاوتی از این همه شقاوت خواهد داشت؟ حال در همین رهگذر و به بهانه این نمایشگاه گفت‌وگویی با یونس محمد داشته‌ایم که در ادامه حاصل آن را می‌خوانید.

■ **آقای یونس محمد عبدالرحمن کمی از خودتان بگویید.**

در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۶) در عراق متولد شدم. از سن چهار سالگی به همراه خانواده‌ام به ایران پناهنده شدیم. مدت ۲۴ سال در ایران زندگی کردم و از دانشکده مدیریت تهران در رشته مدیریت فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۲۰۱۳ به شکل حرفه‌ای در ژانر خبری و مستند عکاسی می‌کنم.

■ **عکاسی جنگ را از چه زمانی و چطور آغاز کردید؟**

در حقیقت باید بگویم به محض اینکه به عکاسی تسلط پیدا کردم در فاصله‌ای حدود یک سال و نیم بعد از شروع به کار عکاسی، جنگ به منطقه ما وارد شد، از همان زمان من وارد این عرصه شدم و شروع به عکاسی جنگ کردم.

■ **در منطقه عراق و سوریه در جنگ داعش با چه صحنه‌هایی روبه‌رو شدید؟**

اگر می‌خواهید بدانید چه اتفاقاتی را دیده‌ام، باید بگویم صحنه‌هایی را که تا پیش از آن در فیلم‌ها دیده بودم. حالا مقابل چشمانم بود. آوارگی و بی‌خانمان شدن مردم، زخمی شدن انسان‌ها، شهید و کشته شدن‌شان، جنازه‌ها، دردها، ناامیدی‌ها و در یک کلام،

داهبردهای رهبر معظم انقلاب برای «تولید معرفت» در کشور

پایان یک دودستگی

وضعیت فعلی

میراث مکتوب شیعه

◀ | صفحه ۱۹

یادداشت



حسین سلطان محمدی منتقد سینما و تلوژیون

تماشاگران آثار جشنواره چهلم فیلم فجر، در حوزه آثار مرتبط به دفاع مقدس، سه اثر متفاوت اما با محوریت یکسان را در برابر خود دیدند. آثاری که هر کدام یک بعد مغفول مانده از رویدادها

و قهرمانان نامی و قهرمانان گمنام دوران دفاع مقدس را به نمایش گذاشتند. از سرداران جنگ گرفته تا بانوان فعال در عرصه نبرد رزمی (علاوه‌بر عرصه پشتیبانی از رزمندگان) تا قهرمانانی که با توان فنی خود، سهمی شاخص در دفاع از جان مردم ایران در آن دوران داشتند.

«موقعیت مهدی» از هادی حجازی فر، به شخصیت‌هایی توجه داشت که نام شان همچنان در سپهر سیاست و دفاع از هویت ایران اسلامی، می‌درخشد؛ برادران باکری (مهدی و حمید) و مورد توجه‌ترین‌شان، «مهدی باکری». برادرانی که به بیان خواهر بزرگوارشان، به همراه برادر دیگر شهید شده به دست ساواک، از هیچ‌کدام بیکری نزد خانواده برنگشته است! در «موقعیت مهدی»، ابعادی از زندگی مهدی باکری مورد توجه قرار گرفت و شخص هادی حجازی فر، با توجه به تجربه حضور در نقش «حاج احمد متوسلیان» در فیلم «ایستاده در غبار»، به‌صورت طبیعی و پذیرفتنی، چهره این شخصیت نام‌آشنای دوران دفاع مقدس را به نمایش گذاشت. تجربه حضور هادی حجازی فر در آثار شبه مستندی چون «زمستان است» یا مجموعه «ماجرای نیمروز» به او این امکان را داده بود تا تصویری پاک را به نمایش بگذارد. متن این اثر علاوه‌بر توجه به واقعیت سخت نبرد، حاوی درامی بود که داستان را به‌صورت طبیعی و با استناد به نکات به یاد مانده از رفتار و گفتار این شهید، به تصویر کشید. همین موضوع، واکنش مثبت عمده کارشناسان و منتقدان را به همراه داشت و حتی سخت‌گیرترین‌فعالان عرصه نقد و نظر، آن را تأیید کردند و علاوه‌بر اینها، حافظه فرمانده سپاه در دوران دفاع مقدس، محسن رضایی، را به غلیان آورد و او را از نظر عاطفی هم درگیر طبیعت این فیلم کرد.

اثر دوم، «دسته دختران» از کارگردانی بود که به‌عنوان یک زن (منبر قیدی)، بعد از فیلم «ویلابی‌ها»، به حضور زنان در عرصه نبرد رزمی دوران دفاع مقدس، پرداخته است. این توجه به ابعاد حضور بانوان در دوران دفاع مقدس، فراتر از پشتیبانی از نیروهای رزمنده، بتدریج در تلاش است تا بانوان را در خاطره جمعی مردم ایران از آن دوران، از بستر رویدادهای عمده‌ترادانه جنگ، بیرون کشد و تصویری مبتنی بر رویدادهای واقعی را به نمایش گذارد. این نوع نگرش و ساخت این فیلم، تا حدی استنباط تفکیک قشری و جنسیتی نیروهای جنگی را مطرح کرد اما فراتر از اینها، این بانوی کارگردان، توانست تا حد قابل توجهی، همانند اثر اول خود، با مدیریت تعداد قابل‌توجهی کاراکتر زن در یک عرصه نبرد سخت فیزیکی، آنان را هدایت کند و داستانی را به نمایش بگذارد که توجه بسیاری را برانگیخت و مباحثات متنوعی را نزد تماشاگران و البته منتقدان ایجاد کرد. «دسته دختران» به مشارکت بانوان در دفاع رزمی از شهر خرمشهر در آغازین روزهای جنگ اشاره دارد. کارگردان همانند تجربه فیلم «ویلابی‌ها»، با تلفیق واقعیت و درام، مقاومت بانوانی را به نمایش گذاشت که ما در تاریخ نگاری دفاع مقدس، اندک تصویر و گفتاری از آنان به یاد داریم.

سوم، (۲۸۸۸)، یادآور فعالیت افرادی در یک سایت راداری نیروی هوایی ارتش در دوران دفاع مقدس است، که نقش شاخصی در مدیریت صحنه هوایی در رویدادهای گوناگون جنگ برعهده داشتند؛ سایت راداری «سویاشی» که در طول جنگ بارها مورد حمله عراق قرار گرفت و سرانجام در روزهای بعد از پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸، بمباران شد و نیروهای مستقر در آن، به شهادت رسیدند. این اثر، فراتر از یک شخص، فراتر از جنسیت و فراتر از یک عملیات، کلیت فعالیت نیروی هوایی ارتش و بخصوص خلبانان را در آن دوران با شاخصه‌های نبرد هوایی، مدنظر قرار داشت. این کلیت متکی به اسناد واقعی جنگ، اثری متفاوت و سخت را پدید آورد. فیلم برای واقع‌نمایی بیشتر، به‌صورت سیاه و سفید تصویر شده است.

در یک جمع بندی از آنچه از دوران پرماجرا و پیر حادثه و پرشخصیت دفاع مقدس، امسال در جشنواره فیلم فجر دیدیم، زاویه دید متفاوت سازندگان آثار یادشده و البته شاخصه مستند بودن روایت‌هاست؛ یک فرمانده متفاوت، یک قشر نادیده و یک ساختار بسیار مهم ناشناخته. یکی از آغازین روزها (دسته دختران)، یکی از نیمه نخست جنگ و فرماندهانی نام‌آشنا و البته سومی از کل هشت سال دفاع مقدس.